

**A comparison between seven stages
in mysticism and Mithraism**
Mohsen Rahimi¹

مقایسه هفت وادی عطار و هفت مرحله سلوک در

میترائیسم

محسن رحیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۰۴

چکیده

شاهکار عطار در خلق منطق الطیر توأم با تبیین مراحل هفت‌گانه طریقت موسوم به هفت وادی عرفان است. به این سیر تکاملی هفت مرحله‌ای، در آیین‌هایی همچون میترائیسم که در گذشته پیروان زیادی داشته، اشاره شده است. این پژوهش در پی آن است تا جنبه‌های مشترک میان این دو فرایند هفت‌گانه را با مقایسه اندیشه‌های عطار نیشابوری در منطق الطیر و بررسی رسوم و آیین‌های تشرف به میترائیسم، باز نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از میان هفت مرحله این دو فرایند عرفانی، شش مرحله طلب در مقام نخست، عشق در مقام نیمف، معرفت در برابر مقام سربازی، استغنا (در پایان مرحله سربازی) در برابر شیرمردی، توحید در برابر پارسی یا پارسا شدن و یکی شدن سالک و میترا و در پایان، مرحله فنا در برابر پیر و مرشد کامل شدن در آیین میترائیسم قلمداد می‌شود. تنها وادی غیر قابل اطلاق در این فرایند وادی ششم یا حیرت است که در برابر مهرپویا یا پیک خورشید در مقام ششم میترائیسم قرار داشته و نمی‌توان ارتباط منطقی بین آنها یافت.

کلیدواژه‌ها: میترائیسم، هفت وادی، مقام‌های مقدس، عطار نیشابوری

Abstract

Attar in his masterpiece introduced seven steps of mysticism. This kind of Seven stages of evolution has been referred in ancient ritual of Mithraism. Main goal of this study is finding common aspect of two process in seven stages in Mithraism and Mysticism. The result has been shown six stages in two process is similar too: In the first place is demand, Love as Nymph, cognition against military authority, Needless (at the end of the Soldier) against Shirmardi (Courage), Monotheism against Parsi or merge of Salek and Mithra, and in the end, Annihilation against old mentor in Mithraism religion. Only one step can not be opposed to each other. The sixth stage or astonishment against Mehrpouya in Mithraism.

Keywords: Mithraism, Seven Stages, Sacred Steps, Attar Neyshabouri.

¹ Faculty Member at Payam noor university

¹ عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور m_rahimi@pnu.ac.ir

مقدمه

پرستش مهر از زمان‌های کهن در جهان مرسوم بوده و براساس شواهد و مدارک موجود، خاستگاه اولیه آن ایران است، تا جایی که رستم و فریدون را به این کیش خوانده‌اند؛ اما این آیین در بین‌النهرین شمس، در یونان باستان هلیوس، در روم باستان سل (SOI) در چین و حتی در مسیحیت نیز به وضوح قابل مشاهده است. (فرضی پور خرم آبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۶) آیین رازآلود میترائیسم سرشار از نمادها و اسطوره‌هایی است که ردپای آن در ادیان و آیین‌های بعدی به وضوح مشاهده می‌شود. اما روی سخن در این مقال، بررسی ارتباطات قابل درک و قابل دفاع از تأثیرات میترائیسم بر عرفان اسلامی، خصوصاً تأثرات عطار در تدوین هفت وادی عرفان بر مبنای هفت مرحله سلوک میترائیسم است. مراحل هفت-گانه در بین آثار اسلامی-ایرانی علاوه بر منطق الطیر عطار در آثار بسیاری از تالیفات محققان ایرانی مورد توجه قرار گرفته است: هفت اقلیم احمد امین رازی در باب اقلیم‌های هفتگانه، هفت حصار خواجه عبدالله انصاری، هفت بند محتشم کاشانی، مجالس سبعه مولوی که مشتمل بر هفت مجلس و نمودار افکار وی از آشنایی وی با شمس است، هفت دکان نورالدین شاه نعمت الله ولی کرمانی، نظامی گنجهای و اشاره او به هفت گنج خسرو در خسرو و شیرین و هفت حکیم اقبال نامه و هفت پیکر و هفت خوان رستم و اسفندیار: (نصیری، ۱۳۸۹: ۹۹) جلوه‌های متنوعی از مراحل هفت‌گانه در ادبیات فارسی را نمایان می‌سازند.

در آیین میترائیسم، میترا پس از صرف شام مقدس با پیروان خود به آسمان صعود می‌کند. وسیله صعود، گردونه چهار اسبه اوست. در نقاشی‌های یافته شده، دو ایزد به نامهای سُل و هلیوس گردونه

را می‌رانند. میترا در آسمان نیز از یاری به مردمان و آنانی که مومن به کیش باشند خودداری نمی‌کند. ارواح پیروان را برای گذراندن از هفت طبقه آسمان راهنمایی می‌کند تا به طبقه هشتم که جایگاه نور و آرامش مطلق است برسند. این موضوع کنایه‌ای است از اینکه افراد باید طی مراحل هفت‌گانه تزکیه و تصفیه روح از دل‌بستگی‌ها آزاد شوند تا با سبکباری به مرحله و درجه‌ای دیگر برسد و پس از طی هفت مرحله به نور مطلق و کمال دست یابند.

بسیاری از نمادشناسان آیین میترائیسم، ارتباط سیارات با این سیر و سلوک را در قالب‌های متفاوتی ذکر کرده‌اند که البته ترتیب‌های متفاوت و تنوع یکسانی دارند. بر اساس باور فرانتس کومون "آسمان دارای هفت وادی، یا هفت طبقه و قلمرو پنداشته می‌شد و هر طبقه یا قلمرو به نام و وابسته به سیاره‌ای بود. تصور، نردبانی بود به هفت پله یا هفت در که به روی هم افراشته، رو به بالا بود و هر یک از فلزی ساخته شده که به کنایه، راه‌های رسیدن به طبقات آسمانی یا ستارگان را بیان می‌کرد. سالکی که وارد می‌شد برای سلوک باید از این درها یا پله‌ها یا طبقات عبور می‌کرد. روان در طول زمانی که این وادی‌ها را می‌پیمود به تدریج پالایش می‌یافت. هواهای نفسانی را فرو می‌نهاد و سبک‌بار می‌شد و از آن‌چه که هنگام فرود آمدن به زمین از تمایلات و غرایز انسانی کسب کرده بود به تدریج رها می‌شد. نیروی اصلی و محرکه‌ی خود را در ماه می‌گذاشت. تمایلات و آرزوهایش را به مرکوری و دیگر خواست‌ها را به ونوس و نیرومندی و هشپاری را به خورشید، ستیزه‌جویی و پیکارگری را به مارس، آرزوهای جاه‌طلبی را به ژوپیتر و آرزوهای دیگر را به ساتورن می‌بخشید. چون به تدریج در هفت مرحله از گناهان و غرایز و نفسانیات تهی و

همچنین تا کنون هیچ مقاله مستقلی در این زمینه به دست نیامده است.

فرضیه و پرسش پژوهش

این پژوهش در پی آن است که به مقایسه تطبیقی مراحل هفت‌گانه آیین میترائیسم و هفت وادی عرفان عطار پردازد و بر این باور است که اگرچه نمی‌توان هفت وادی عرفان عطار را برگرفته از آیین میترائیسم برشمرد، اما می‌توان حقیقت عرفان را برای سیر و سلوک و کشف حقیقت در این دو مشرب کاملاً متفاوت یکسان برشمرد. اما پرسش اصلی اینجاست که کدام یک از این مراحل قابل تطبیق با یکدیگر بوده و کدام یک تطبیق نمی‌یابند؟

بیان مسأله:

عدد هفت از تقدس خاصی در بین فرهنگ اساطیر و ملل مختلف برخوردار است. فرهنگ‌های مختلف به فراخور ساختار خود از این عدد یاد کرده‌اند. هفت خط جام شراب جمشید، هفت هنر، هفت نت موسیقی، هفت تبه در روم باستان، ازدهای هفت سر، سبعة نائمة، دعاهاى هفت روز هفته طبق روایات عبری، هفت امر مقدس در مسیحیت، هفت گناه، خواب فرعون، خدایان هفت‌گانه یونان باستان، هفت امشاسپندان، هفت رمز فروهر، هفت قلم آرایش، هفت شین و هفت سین، عجایب هفت‌گانه، هفت دیو (کماریکان) درمقابل هفت امشاسپند، هفت چشمه در بهشت، هفت جشن ایرانیان باستان، هفت پسر و هفت دختر خوراک مینوتور (در اساطیر یونان) هدایای هفت‌گانه آگامنون به آشیل، هفت فرشته برای هفت روز هفته و هر سیاره برای هر روز از نظر ایرانیان باستان و عبریان، هفت رمز آتش زرتشت، خدایان هفت‌گانه بین‌النهرین، دعای هفت

عاری می‌شد، جوهره اصلی وجود وی باقی می‌ماند که در خور و شایسته‌ی ورود به وادی هشتم یا هشتمین آسمان (اقلیم هشتم) می‌شد تا در روشنایی بی‌کرانه «آنغَرَ رتُوچَنگَه» مقیم شود. (کومون، ۱۳۸۳: ۲۸۶)

در این پژوهش دو هفت‌گانه مراحل سلوک در آیین میترائیسم و هفت وادی معرفت عطار مقایسه شده است. برای دستیابی به این هدف ابتدا توصیفی از جایگاه مراحل هفت‌گانه و سپس شرح و مطابقت هفت مرحله مهری شدن با هفت وادی معرفت عطار انجام شده است.

پیشینه پژوهش

یکی از مشکلات تحقیق بر روی داده‌های برگرفته از آیین میترائیسم، رازآلود بودن و کهنگی این آیین و نبودن مستندات مکتوب از باورهای موجود در آن است. بسیاری از اطلاعات موجود از طریق نمادشناسی تصاویر و نقوش موجود در معابد مهرپرستان در سراسر جهان به دست آمده است. بنابر این اطلاعات موجود در زمینه مراحل هفت‌گانه مهری شدن نیز بخش از همین داده‌هاست. اما علیرغم آنکه تقریباً تمام منابعی که به این آیین پرداخته‌اند از جمله اولانسی (۱۳۸۰)، کومون (۱۳۸۳) و مرکلباخ (۱۳۸۷) به موضوع این مراحل هفت‌گانه اشاره کرده‌اند، تنها تحقیق مستقل در خصوص مقایسه هفت وادی عطار و هفت مرحله میترائیسم در قالب دو پایان‌نامه خانم سمیه قیصری در سال (۱۳۹۰) در دانشگاه علامه طباطبایی در سطح کارشناسی ارشد و «آیین مهر یا میترائیسم در منطق الطیر عطار و مثنوی مولوی» (۱۳۸۶) پایان‌نامه دکتری خانم لطیفه سلامت در دانشگاه آزاد بابل بوده که هیچکدام به دست نگارنده نرسیده است.

روز هفته در اسلام، معراج پیامبر در آسمان هفتم، مناسک هفت‌گانه حج و روز هفتم آفرینش (نک: فرضی پور خرم آبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۶) تنها برخی از تاثیرات این عدد در فرهنگ‌های مختلف ایرانی، یونانی، عبری و اسلامی هستند.

ستون فقرات سازماندهی آیین میتراثیسم، نظامی هفت‌مقامی بود که ارتباط محکمی با خدایان سیاره‌ها داشت. بالا رفتن رازورها از هفت پله‌ی نردبان مقدس، نماد صعود از راه فضای سیاره‌ها به ابدیت، به فلک ثوابت بود. نظام هفت‌گام مقدس و هفت‌خدای سیاره‌ها - که هم‌زمان خدایان هفت‌روز هفته هم هستند - ثابت بوده و کمتر جابه‌جا می‌شوند. این امر نمی‌تواند در درازمدت، تحول یافته باشد، بلکه باید یکباره و به صورت یکپارچه اندیشیده و ساخته شده باشد. (مرکلباخ، ۱۳۸۷: ۷۶) همچنین در رموز میتراپرستی، نردبان آیینی، هفت پله داشت و هر پله از فلزی خاص ساخته شده بود. (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۳۲) به ارتباط این عناصر با سیارات و مقام‌های سلوک در توصیف مراحل خواهیم پرداخت.

هفت‌وادی، هفت‌مقام

وادی در لغت به معنی رودخانه و رهگذر آب سیل (دهخدا) و صحرای مطلق (غیاث‌اللغات) و همچنین به معنی بیابان بی آب و علف است. اما در اصطلاح شیخ عطار مراحل است که سالک طریقت باید طی کند و پیمودن این مراحل به بیابان‌های مخوفی تشبیه شده و سالک برای رسیدن به مقصود، ناگزیر از عبور از این بیابان‌های مخوف و گردنه‌های مهلک است که آنرا به عقبات سلوک تعبیر کرده‌اند. روایت این هفت‌وادی معرفت‌شبهات‌هایی با هفت‌مرحله سلوک در میتراثیسم دارد. در میتراثیسم

برای مومنان رسیدن به مقام والا مستلزم آن بود تا هفت‌دوره تصفیه و تزکیه را بگذرانند. در هر مقامی به سوی پیشرفت، مشقات و دشواری‌ها و شکنجه‌هایی وجود داشت که مریدان و سالکان بایستی آنها را متحمل گردند. کسانی که از مرحله ششم گذشته به مقام هفتم می‌رسیدند بسیار اندک بودند، ولی اینان بودند که به وسیله خود اهورامزدا و میترا فروغ جاودانی و در آخرین پایه آسمانی جای می‌گرفتند.

صوفیان متقدم در تصوف هفت‌مقام تصور کرده‌اند، شامل: مقام توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، رضا و توکل و ده «حال» شامل: مراقبه، قرب، محبت، خوف، رجا، شوق، انس، اطمینان، مشاهده و یقین. (سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۶۴) عطار نیز در مصیبت‌نامه پنج وادی و در منطق‌الطیر هفت‌وادی معرفت را چنین ذکر کرده است: وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر و فنا.

وادی طلب، مقام اول

در میتراثیسم کسانی که طالب وارد شدن به جرگه پیروان میترا بودند، نخستین گام را با قبول سلسله‌ای از مراسم و تشریفات به جای می‌آوردند. هنگامی که این مراسم به پایان برسد پدر یا پیر مقدس آنان را کلاغ مقدس خطاب می‌کرد و این بدان معنا بود که مقام آنها رسمی شده و در مهربان‌ها ملبس به پوشش کلاغ می‌شدند و در پاره‌ای تشریفات از صدا و حرکات کلاغ تقلید می‌کردند. "علت انتخاب کلاغ از آن جهت برگزیده شده که مبتدی و سالک که در آغاز راه است، با دقت از بالا به غور و ژرف بینی در آنچه مشاهده می‌کند پرداخته و می‌کوشد دریافت و معرفت را به خود جذب کند و در واقع با کوشش و جهد با دریافت درست و تعلیم ویژه، کسب معرفت کند." (رضی، ۱۳۸۱: ۶۱۰) بنابراین کلاغ در این

آیین همان طالب کشف معرفت و سالک مراحل هفت‌گانه مهری شدن است.

نخستین وادی معرفت از دید عطار وادی طلب است. طلب به معنی جستن و در جستجوی حقیقت معرفت گشتن است. در اصطلاح صوفیان طالب سالکی است که از شهوت طبیعی و لذات نفسانی عبور نماید تا پرده پندار از روی حقیقت براندازد. طلب توأم با رنج و مشقت است. نخستین مرحله و در عین حال پر مشقت‌ترین مرحله است.

چون فرو آئی به وادی طلب
پیش آید هر زمانی صد تعب
صد بلا در هر نفس اینجا بود
طوطی گردون، مگس اینجا بود

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۰۱)

وادی عشق، مقام دوم

چنانچه بتوانی سالک مصمم وادی طلب باشی و آن را با همه تعب، پیمائی، به وادی عشق وارد خواهی شد:

بعد از این وادی عشق آید پدید
غرق آتش شد کسی کجا رسید
کس در این وادی بجز آتش مباد
وانکه آتش نیست عیشش خوش مباد
عاشق آن باشد که چون آتش بود
گرم رو، سوزنده و سرکش بود

(همان: ۳۱۱)

نیاز سالک به وصل حقیقت معرفت، موجب ترک تعلقات مادی و توجه مطلق او به هدفش می‌شود. عشق در میان وادی‌های معرفت سهمگین‌ترین آن‌هاست. وارد شده به این مقام توجه خود را مطلقاً بر امری خاص که همان اوج معرفت و محبت است، معطوف می‌نماید تا مستعد درک انوار معرفت گردد. عشق در برابر عقل در فلسفه قرار دارد و چنان‌که

مولانا فرموده، شرحی جز از عشق برای عشق نمی‌توان ذکر نمود:

عقل در شرحش چو خر در گل بخت
شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت
(مولانا، ۱۳۷۹: ۴ بیت ۱۳۱)

در آیین میترائیسیم مقام دوم به پوشیده یا نیمفوس (Nymphus) اطلاق می‌گردد. "در زبان یونانی نیمف (Nymph) به معنی نوعروس یا کرم در پیله است. (مستور در حجاب و پرده) واژه عروس یک رمز مذهبی است و در آن جنسیت مطرح نیست و به مفهوم زوج کاربرد دارد خواه مذکر یا مؤنث. سالک در این مرحله ایثار کرده و عشق خود را به خداوند معطوف داشته و او را به جای زوج برگزیده. بیان واقع آنکه سالک رازآموز در این مقام ترک بسیاری از علائق کرده و خود را از دنیای مادی منقطع و وقف روشنایی و نور و آتش می‌کند. (رضی، ۱۳۸۱: ۶۱۳) عشق پوشیده‌گان در مرحله دوم آیین میترائیسیم، همان عشق سالک به کشف حقیقت معرفت است.

وادی معرفت، مقام سوم

وادی سوم در طی مراحل سلوک از نظر عطار وادی معرفت است؛ معرفت در لغت به معنی شناخت و در اصطلاح صوفیانه، ره یافته به وادی معرفت، "صفت آن کس بود که خدای را بشناسد به اسماء و صفات او، پس صدق در معاملت با خدای تعالی به جای آرد، پس از خوی‌های بد دست بردارد، پس دائم بر درگاه بود و بدل همیشه معتکف بود تا از خدای بهره‌یابد" (قشیری، ۱۳۴۵: ۵۴۰)

بعد از آن، بنمایدت پیش نظر
معرفت را وادایی بی پا و سر
هیچ کس نبود که در این جایگاه

مختلف گردد، ز بسیاری راه

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۲۲)

سومین مقام در آیین میترائیسم منصب سرباز است. "اینک کسی که به این مقام عالی ارتقاء یافته، روشنی و انوار معرفت و عرفان و رهایی از ظلمت مادی در او چون خورشید ساطع است. به میترا آن چنان نزدیک شده که هلیوس/سل به آن عالی‌جناب نزدیک شده بودند، اتحاد یگانگی خالق و مخلوق، آفریده و آفریدگار." (رضی، ۱۳۸۱: ۶۱۷) سرباز با ادای سوگند، باید موظف به وظایفی باشد که پاکی و پارسایی یکی از آنهاست. به همین جهت به یونانی سرباز با صفت Akerios (پاک و صدیق ضبط شده است).

وادی استغنا، مقام چهارم

در عرفان عطار وادی استغنا وادی بی نیازی به مخلوقات و نیازمندی به خالق است. در این مرحله سالک چنان به خالق نیازمند و از خلق بی نیاز می‌گردد که از هرچه رنگ تعلق پذیرفته آزاد گردد و ناگاه خود را در کوه امن و رجا مستغنی می‌یابد.

بعد از آن وادی استغنا بود

کی در او دعوی و کی معنا بود

می‌جهد از بی نیازی صرصری

می‌زند بر هم به یک دم کشوری

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۲۵)

در آیین میترائیسم سرسپردگان یا همان سربازها پیش از ورود به مرحله شیر مردی باید به نوعی استغنا یا بی نیازی از غیر دست می‌یافتند. "سرسپرده ای که می‌خواست به پایه سربازی برسد، می‌دید که روی شمشیری تاجی پیش او می‌آورند، وی آن را با دست از خود می‌رانده و از روی شانه‌اش می‌گذرانده و می‌گفته تنها تاج من مهر است زین پس

هیچگاه در جشن‌ها شمشیر به خود نمی‌بست و نه هنگامی که به گونه‌ای، پاداشی ارتشی به او می‌دادند. چنین بود که اگر کسی در آینده اینگونه پیشکش به وی می‌کرد می‌گفت این از آن خدای من است." (کومون، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

چهارمین مقام در آیین مهری مقام شیرمردی است. سربازی که می‌خواست به مرتبه شیرمردی وارد شود در ابتدا بایست دستان خود را به غسل آلوده و آن را در پرتو نور خورشید قرار دهد و شیر مرد با خورشید و آتش در ارتباط است چون آتش و خورشید نماد پاک‌کنندگی پلیدی هاست. (فرضی پور خرم آبادی، ۱۳۸۹: ۱۵۴) این آیین نیز می‌تواند به نوعی رهایی از تعلقات و جلوه‌های وسوسه انگیز زندگی که مایه ناپاکی روح شده به واسطه تطهیر ظاهری با غسل قلمداد شود.

وادی توحید، مقام پنجم

در منطق الطیر وادی توحید منزل تفرید و تجرید است، و آن وادی و منزلی است که همه چیز به نظر سالک محو می‌شود و فقط جمال اوست که می‌ماند، زیرا که همه مخلوقات چون یک‌هایی است که در یک ضرب شده است و حاصل آن جز یکی نمی‌تواند باشد. (اشرف زاده، ۱۳۷۴: ۲۴۲)

بعد از آن وادی توحید آیدت

منزل تجرید و تفرید آیدت

روی‌ها چون زین بیابان برکنند

جمله را از یک گریبان برکنند

گر بسی بیسی عدو گر اندکی

آن یکی باشد درین ره در یکی

چون بسی باشد یک اندر یک مدام

آن یک اندر یک، یکی باشد تمام

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۳۵)

وابسته به جا و ملت خاصی نمی‌دانستند و درصدد از بین بردن تاریکی‌ها در هر جای دنیا بودند." (فرضی پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴) بنابراین نمی‌توان ارتباط معناداری بین این مقام با وادی حیرت در عرفان عطار یافت، جز آنکه به اشارتی عطار این سرگشتگی‌های حیرت زدگان را ناشی از سایه‌هایی برآمده از یک خورشید واحد دانسته است.

صد هزاران سایه جاوید تو

گم شده بینی ز یک خورشید تو

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۳۸)

وادی فقر و فنا، مقام هفتم

این مرحله نهایی در هر دو آیین میترائیسم و وادی-های هفت‌گانه عطار است. پیروان هر دو مسلک در این مرتبه به یختگی و درجه‌ای از خلوص رسیده‌اند که می‌توان آنها را کمال یافته فرض نمود. فنا در اصطلاح صوفیان برداشته شدن اوصاف مذموم است از سالک که بوسیله کثرت ریاضات حاصل شود و نوع دیگر فنا عدم احساس سالک است به عالم ملک و ملکوت و استغراق اوست در عظمت باریتعالی و مشاهده حق. سالک در این مرحله در الطاف حق فانی شده است. عطار در توصیف این وادی می-

بعد از این وادی فقر است و فنا

کی بود اینجا سخن گفتن روا

سالکان پخته و مردان مرد

چون فرو رفتند در میدان درد

گم شدن اول قدم، زین‌پس چه بود

لاجرم دیگر قدم را کس نبود

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۵۴)

در آیین میترائیسم نیز این مقام والاترین و عالی‌ترین مرحله تشریف برای یک سالک میتراپی بوده

پنجمین مقام در آیین میترائیسم مقام پارسی بوده است. این مقام، گذشته از وجوه رمزی، کنایه‌ای است که با طبیعت و روئیدن گیاهان پیوند دارد و میان پیروان کیش میترا، نشان آزادی و آزادگی بوده است. "شیر مردی که به سنین بالا می‌رسد به درجه پارسی دست می‌یابد. درجه‌های قبلی زمینی و مادی هستند ولی درجه پارسی یک درجه بیشتر روحانی است. و معنی آن وارستگی است. واژه پارسا به همین معنی می‌باشد." (ویکی‌پدیا) اما از نظر ظاهری، از این مرحله است که سالک طریق در آیین میترائیسم، کلاه لبه شکسته یا فریزی بر سر گذاشته و خود را با میترا یکی شده می‌پندارد. به این رسیدن از کثرت به وحدت در وادی توحید عطار نیز اشاره شده است.

وادی حیرت، مقام ششم

حیرت در لغت به معنی سرگردانی و سرگشتگی است، اما در اصطلاح، امری است که وارد می‌شود بر قلوب عارفان، در موقع تأمل و حضور و تفکر آنها، که آنها را تامل و تفکر حاجب گردد (اشرف زاده، ۱۳۷۴: ۲۴۴) عطار در باب این سرگشتگی و رنجی که از درد و حسرت بر سالک وارد می‌شود، بسیار گفته است.

بعد از آن وادی حیرت آیدت

کار دایم درد و حسرت آیدت

هر نفس اینجا چو تیغی باشدت

هر دمی اینجا دریغی باشدت

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۴۴)

در آیین میترائیسم مقام ششم برابر با مهرپویا یا پیک خورشید است. "وارد شدگان به این مقام همواره تاجی شعاع‌دار و مشعل و تازیانه‌ای در دست داشتند خود را پیک خورشید دانسته و خود را

و این مقام را مقام پتر یا پدر و پدر پدران می‌نامیدند. پدران نمایندگان میترا بر روی زمین بوده‌اند و در حقیقت عالیترین مناصب را در آئین میتراپی داشتند. این مقام در ادبیات فارسی به شیوه‌های مختلفی همچون: پیر، پیر می فروش، پیر دیر و امثال آن بسیار کاربرد یافته است. پیر نماد انسان کامل است که در طریقت سلوک به والاترین مقام بندگی با فنا شدن در انوار حق دست‌یافته است. او آماده گام نهادن به خانه هشتم در نردبان تعالی است. "خانه یا وادی یا آشناتر برای ما، اقلیم هشتم، نهایت معرفت و عرفان و منطقه نور الانوار، وادی حق و همان جایی است که در سیر العباد، بسیار اندک‌اند که به وصال حق در این وادی نهایی نایل شوند. این دروازه هشتم قلمرو نور الانوار است." (رضی، ۱۳۸۱: ۶۰۸)

بحث و نتیجه‌گیری

در مقایسه فرایند هفت‌گانه هفت وادی عرفان عطار و مقام‌های هفت‌گانه آیین میترائیسم، علیرغم نبودن هم‌نامی در سلسله مراتب این دو شیوه، ویژگی‌های مشترکی را می‌توان در مفاهیم پنهان شده در زیرساخت هر مرحله، به صراحت دریافت. وادی طلب همان مقام کلاغ در آیین میترائیسم است که طالب مشرف شدن به آیین میترائیسم، با پذیرفتن مراسم و تشریفات به این آیین ورود پیدا می‌کند. مقام عروس یا پوشیده در مرحله دوم، رمزی از تعلقات عاشقانه سالک در وادی عشق است. سالک در این مرحله ایثار کرده و عشق خود را به خداوند معطوف داشته و او را به جای زوج برمی‌گزیند. عشق پوشیده‌گان در مرحله دوم آیین میترائیسم، همان عشق سالک به کشف حقیقت معرفت است. در وادی سوم که معرفت است سالک باید به

شناخت و معرفت کامل دست یابد و سرباز نیز در آیین میترائیسم در همین مرحله قرار دارد. کسی که به این مقام عالی ارتقاء یافته، روشنی و انوار معرفت و عرفان و رهایی از ظلمت مادی در او چون خورشید ساطع شده تا قابل به دریافت حقایق آیین میترائیسم گردد. مقام شیر مردی با وادی استغنا دارای مشابهت معناداری است. در آیین میترائیسم سرسپردگان یا همان سربازها پیش از ورود به مرحله شیر مردی باید به نوعی استغنا یا بی‌نیازی از غیر دست می‌یافتند که این امر با نپذیرفتن تاج، طی مراسمی و تاکید بر کفایت میترا به عنوان صاحب و مالکی که شیور مرد را از غیر بی‌نیاز می‌سازد، به نمایش در می‌آمده است. وادی پنجم در عرفان عطار وادی توحید است. تفرید و تجرید از لوازم سالک در طی این وادی است. سالک طریقت در آیین میترائیسم نیز کلاه لبه شکسته یا فریژی بر سر گذاشته و خود را با میترا یکی شده می‌پندارد. وادی ششم در سیر سلوک، وادی حیرت است، ولی ظاهراً بین این وادی و مقام ششم آیین میترائیسم که خورشید است نمی‌توان ارتباط معناداری یافت. در پایان نیز وادی فنا قرار دارد که سالک طریقت در این وادی محو در انوار حق شده و به نمونه‌ای از انسان کامل دست می‌یابد. این وادی در برابر مقام پدر یا پیر در آیین میترائیسم قرار می‌گیرد که مقام ره‌یافتگان به بالاترین درجه از خلوص بندگی میترا و به نوعی نمایندگان میترا بر روی زمین هستند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند در ظاهر اسامی مراحل، شباهتی وجود ندارد اما از اهداف مستتر در هر مرحله و هر وادی می‌توان به شباهت‌های معناداری دست پیدا کرد. این تحقیق می‌تواند منشاء مقایسه مفاهیم مستتر در آیین میترائیسم در برابر مراحل چندگانه سایر باورهای آیینی و مذهبی در

جهان باشد از جمله مشابهت‌های معنادار مسیحیت و میترائیسم که تا کنون کمتر به آنها پرداخته شده است. همچنین تاثیرات این آیین کهن در شعر شاعران برجسته فارسی زبان از جمله حافظ و فردوسی نیز می‌تواند موضوع مقالات کاملی در این زمینه باشد.

منابع

- عطار نیشابوری (۱۳۷۴) *منطق الطیر*. به اهتمام دکتر احمد خاتمی. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا
- فرضی پور خرم آبادی، داریوش. (۱۳۸۹). راهی به جهان راز. نگاهی به ماندگی‌ها و آمیختگی‌های اساطیر ایران، یونان، روم، چین و بین‌النهرین. قم: انتشارات هناریس.
- قشیری ابوالقاسم. (۱۳۴۵) ترجمه رساله قشیریه. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کومون فرانتس. (۱۳۸۳) *آئین پر رمز و راز میترای* ترجمه و پژوهش هاشم رضی. تهران: انتشارات بهجت
- آجودانی. تهران: نشر ثالث
- ورمارزن مارتین. (۱۳۷۵) *آئین میترا*. ترجمه بزرگ نادرزاد. تهران: نشر چشمه
- مرکلبلاخ راینهولد. (۱۳۸۷) *میترا (آیین و تاریخ)*. ترجمه توفیق گلی‌زاده. تهران: نقش اختران
- مولوی، مثنوی. (۱۳۷۹) تصحیح رینولد نیکلسون. چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- نصیری دهقانی، مهدی. (۱۳۸۹). راز عدد هفت. تهران: ابتکار دانش
- اشرف زاده رضا. (۱۳۷۴) *شرح گزیده منطق الطیر یا مقامات الطیور* شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر
- الیاده میرچا. (۱۳۷۶) *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- اولانسی دیوید. (۱۳۸۰) *پژوهشی نو در منشاء میتراپرستی: کیهان‌شناسی و نجات و رستگاری در دنیای باستان*. ترجمه و تحقیق مریم امینی. تهران: نشر چشمه.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). *آیین مهر*. تاریخ آیین رازآمیز میترای در شرق و غرب از آغاز تا امروز. جلد دوم. تهران: انتشارات بهجت.
- سراج طوسی، ابونصر. (۱۳۸۲) *اللمع فی التصوف*. تصحیح رینولد آلن نیکلسون. ترجمه مهدی محبتی. تهران: اساطیر